

An Investigation into the Multilevel Models of the Preposition "Elaa" in the Quran: A Cognitive Semantics Approach*

Maryam Tavaklnia

MS in Quranic Sciences, Zahedan Faculty of Quranic Sciences

Vali Al-Hasoomi

Assistant Professor, University of Sistan and Baluchestan, Department of Quran and Hadith Sciences

Abstract

The preposition of "Elaa" is considered as the most used preposition of the Quran. This preposition, in accordance with its application in Quranic verses, encodes many different meanings which at one point come to gather in that that point is the end of the preamble. That said, the semantic domains of the preposition "Elaa" are examined based on the Tiels and Evans model in this descriptive-analytical method study. After explaining the meaning of the preamble, the semantic aspects of this statement in the Quran have been analyzed. Several semantic models such as: meanings, rows of meanings, mutual meanings, coextensive concepts, syntactic semantic model, and semantic inclusion were introduced. In so doing, the semantics is achieved in most semantic networks through relying on the cognitive realities that come from the spatial sense of the preposition of "Elaa". More Semantic variations have been gained from the use of this word in Quranic verses.

Keywords: Quran, Cognitive semantics, preposition of "Elaa", Semantic models

* -Received on: 25/04/2018

Accepted on: 11/10/2018

-Email: dr.hasoomi@theo.usb.ac.ir

-DOI: 10.30479/lm.2019.2742

-© Imam Khomeini International University. All rights reserved.

بررسی مدل‌های چند معنایی حرف «الی» در قرآن با رویکرد معناشناسی شناختی*

مریم توکل‌نیا، کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی زاهدان
ولی‌الله حسومی، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه علوم قرآن و حدیث

چکیده

حرف «الی» از حروف پرکاربرد قرآن محسوب می‌شود. این حرف متناسب با کاربردش در آیات قرآن معانی متفاوت بسیاری را کدگذاری می‌کند که در یک نقطه؛ یعنی معنای پیش‌نمونه که همان انتهای غایت است، با هم مرتبط می‌شوند. این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی حوزه‌های معنایی حرف «الی» را با تکیه بر مدل تابلز و ایوانز بررسی و پس از تبیین معنای پیش‌نمونه، وجوه معنایی این حرف در قرآن را تحلیل کرده است. به همین منظور مدل‌های معنایی متعددی؛ مانند معانی هم‌ردیف، معانی متقابل، مفاهیم هم‌معنا، مدل معنایی نحوی و شمول معنایی معرفی شد؛ به گونه‌ای که در قالب این مدل‌های معنایی به اکثر شبکه‌های معنایی این حرف دست یافته و با تکیه بر واقعیت‌های شناختی که از مفهوم مکانی حرف «الی» بر می‌آید، تنوع معنایی بیشتری را از کارکرد این حرف در آیات قرآن به دست آورده است.

کلمات کلیدی: قرآن، معناشناسی شناختی، حرف الی، مدل‌های معنایی.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۱۹

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤل): dr.hasoomi@theo.usb.ac.ir

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2019.2742

۱. مقدمه

معنی‌شناسی شناختی به بررسی رابطه میان معنا و ارجاع آن در جهان واقعی می‌پردازد، مباحثی؛ مانند استعاره و مجاز، معنای دایره‌المعارفی، مقوله‌بندی و نظریه سرنمون فضاهای ذهنی و... می‌تواند در حوزه معناشناسی شناختی قرار گیرد. (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۲۲) یکی از موضوعاتی که در معناشناسی شناختی بسیار مورد توجه قرار گرفته است، چندمعنایی الفاظ است. این پدیده در واژگان قرآن امر مسلمی است که همواره در تفسیر قرآن مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است. بررسی تفاسیری که از حروف ارائه شده نشان می‌دهد که این مهم در مورد حروف جر کمتر مورد توجه بوده است؛ از این رو بررسی کارکرد این حرف مبتنی بر اصول و قواعد مشخص، لازم و ضروری است. از آنجا که عمدتاً حروف با توجه به مفهوم مکانی که دارند در پی قابل شناخت شدن امور انتزاعی به‌کار رفته‌اند، لذا رویکرد معناشناسی شناختی حروف، راهکار مناسبی برای کشف میدان‌های معنایی آیات قرآن محسوب می‌شود. به این منظور برای دستیابی به معانی متعدد حرف الی، مدل‌های معنایی این حرف بررسی می‌شود تا با استفاده از این ابزارهای معنایی و در چارچوبی نظاممند، کارکرد این حرف در آیات تشریح شده و مقولات معنایی دیگری که از آن پیرامون معنای مرکزی ایجاد شده با توجه به بافت کاربردی در آیات قرآن استخراج و ارزیابی شود. با توجه به اینکه چنین موضوعی کمتر مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان قرار گرفته پژوهش پیش‌رو، مسائل تحت بررسی را اینگونه عنوان می‌کند:

۱- معنای پیش‌نمونه حرف «الی» در رویکرد شناختی چگونه قابل تبیین است؟

۲- مدل‌های پیشنهادی در استخراج مفاهیم گوناگون حرف «الی» کدامند؟

۳- نقش این مدل‌های معنایی در تعیین شبکه‌های معنایی حرف «الی» و رفع تغافل‌های تفسیری چگونه تحلیل می‌شود؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤالات ابتدا به مطالعه آثار نگاشته شده در این زمینه پرداخته می‌شود و سپس نتایج حاصل، با بررسی کارکرد حرف «الی» در آیات ارزیابی خواهد شد تا عملکرد مدل‌های چندمعنایی در کشف میدان‌های معنایی حرف «الی» تبیین شود.

۲. پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارندگان بررسی کرده‌اند، اثر مستقلی در خصوص چندمعنایی حرف «الی» با رویکرد معناشناسی شناختی در قرآن صورت نگرفته است. البته پژوهش‌هایی در زمینه معناشناسی شناختی در قرآن و نیز چندمعنایی حروف در زبان فارسی نگارش یافته‌اند. از جمله: قائمی‌نیا (۱۳۹۰) در کتاب معناشناسی شناختی قرآن، با نگاه شناختی، به تفسیر آیاتی از قرآن پرداخته و در بخشی از این کتاب به طور خاص به معناشناسی شناختی حروف اشاره کرده است. ایمانی و منشی‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی شبکه معنایی

حرف «فی» و اهمیت آن در ترجمه قرآن از منظر معنی‌شناسی شناختی» مؤلفان با تکیه بر مفهوم مکانی و کانونی حرف «فی»، معانی زمانی، انتزاعی، استعاری و مجازی را تبیین کرده‌اند و در پایان با تحلیل‌هایی به چگونگی معادل‌آوری برای این حرف در زبان فارسی توجه شده است. گلفام و دیگران، (۱۳۸۸) در مقاله بررسی حرف اضافه «از» در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی، علاوه بر معرفی روش شناختی به مثابه بهترین روش برای کشف معانی حروف، به تعریف روش‌های سنتی حروف مکانی در زبان فارسی پرداخته و روش نو در روشن‌سازی معنای واقعی حروف را روش شبکه‌ای معنا مبتنی بر شباهت حروف می‌داند، آنها این نظریه را با محور قرار دادن حرف مکانی «از» در چارچوب مفاهیمی؛ همچون طرح‌واره، شکل و زمینه و استعاره بررسی می‌کنند.

این پژوهش در روش تاحدی به پژوهش‌های فوق نزدیک است. البته تلاش شده است از اصول مختلف معناشناسی شناختی استفاده و کارکرد تفسیری حرف «الی» به صورت روشمند تبیین شود.

این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مدل پیشنهادی تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) در تعیین معانی واژه‌ها و نیز برخی دیگر از اصول پیشنهادی معناشناسی شناختی؛ مثل استعاره و طرح‌واره انجام شده است. ابتدا آیاتی که حرف اضافه «الی» در آنها به کار رفته است شناسایی و سپس به تحلیل آنها پرداخته شده است.

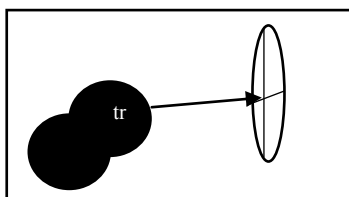
۳. مبانی نظری و معنای پیش‌نمونه‌ای حرف الی

معناشناسی شناختی یکی از شاخه‌های اصلی زبان‌شناسی شناختی به شمار می‌رود که نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد. معناشناسان شناختی با تکیه بر توانایی شناختی انسان، تجربیات جسمانی و حسی روزمره وی را عامل اصلی درک مفاهیم انتزاعی و ذهنی می‌دانند. بر اساس دیدگاه شناختی، حروف اضافه دارای معانی مرکزی و حاشیه‌ای بوده و معانی حاشیه‌ای عموماً حاصل بسط استعاری معنای مرکزی هستند. (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۵۳) ایوانز و تایلر بر این اساس مدلی را برای تبیین چندمعنایی حروف پیشنهاد کرده‌اند که بر اساس آن مفهوم اولیه حروف اضافه طبق قواعدی تعیین‌پذیر بوده و مفاهیم متمایز بر اساس قاعده‌ای مشخص از آن مشتق می‌شوند و در نهایت این مفاهیم متمایز به همراه مفهوم اولیه تشکیل یک شبکه معنایی می‌دهند که مفهوم اولیه و اصلی در مرکز و سایر معانی به صورت نظامند در ارتباط با آن هستند. (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۳: ۹-۱۰۷) از مفاهیم مورد نیاز در تحلیل حروف بر اساس این مدل، «مسیرپیما» و «مرزما» هستند که با عناوین دیگری؛ چون «شکل» و «زمینه» یا حروف اختصاری «TR» و «LM» از آنها بحث می‌شود. مسیرپیما، شکل یا «TR»؛ یعنی شیئی که به لحاظ بصری هنگامی که در محیط اطراف توجه شود، آن شیء به صورت یک شکل برجسته‌تر از زمینه اطرافش، به نظر می‌آید و دارای ویژگی‌هایی؛ چون شناخته‌تر بودن، قابلیت تحرک داشتن، به نسبت کوچک‌تر بودن، دیرپاب‌تر و دارای

اهمیت بیشتر بودن می‌باشد؛ اما مرزنا، زمینه یا «LM»، به مثابه نقطهٔ ارجاع عمل می‌کند با ویژگی‌های شناخته شده‌ای که از آنها برای تعیین ویژگی‌های ناشناخته شکل کمک می‌گیرد. از آن ویژگی‌ها ثبات بیشتر، بزرگ‌تر و زود درک شدن می‌باشد. (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۹) با توضیحاتی که داده شد تا حدی چارچوب نظری بحث مورد پژوهش مشخص گردید. از این رو، سه روشی را که در گسترش معنا و به دست دادن شبکهٔ شعاعی آن مؤثر واقع می‌شوند، با تمرکز بر کاربردهای حرف جر «من» در قرآن، مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم تا تفسیری دقیق‌تر از این حرف ارائه شود.

۱-۳. معنای پیش‌نمونه‌ای حرف الی

معنای پیش‌نمونه‌ای «الی»، «حرکت به سوی انتهای غایت» است؛ یعنی در عبارات قرآنی هر جا مفهوم حرکت عنصر متحرکی به سوی مقصد و غایتی برای امری متصور است، این حرف نیز کاربرد پیدا می‌کند. این مفهوم کهن‌ترین معنای این حرف محسوب می‌شود و حتی زمانی که در هیچ بافتی قرارنگیرید کاربران زبان این واژه را برای مفهوم انتهای غایت به کار می‌برند. لذا برای ترسیم آن باید گفت در این مفهوم، مسیریما (TR) به سوی مرزنا (LM) حرکت می‌کند و مرزنا نقطهٔ پایان و مقصد مسیریما به شمار می‌آید. (بامشادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳) طرح‌وارهٔ زیر این رابطهٔ فضایی و منظر اعلائی بین مسیریما و مرزنا را در این حرف نشان می‌دهد:



این شکل، نشان دهندهٔ حرکت TR به سوی LM به عنوان نقطهٔ پایان مسیر است که حشر اعلائی حرف جر «الی» است.

این معنای کانونی در این آیه مورد نظر بوده است: ﴿فَأَبَعَثُوا أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ﴾ (کهف/۵۷) «اکنون یک نفر از خودتان را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید». همان‌طور که در این تعبیر قرآنی مشخص است، «الی» انتهای غایت مکانی را نشان می‌دهد و اشاره است به حرکت مسیریما به سوی انتهای غایتی مشخص که در اینجا آن انتها، «مدینه» است.

این حرف معانی دیگری را متناسب با کاربردش در آیات به همراه دارد که در ادامه مدل‌های چندمعنایی این حرف در قرآن کریم با تکیه بر معناشناسی‌شناختی تبیین می‌شود. بدین منظور برای تبیین حدود معنایی حرف «الی» ابتدا روابط مفهومی آن با سایر حروف بررسی می‌شود.

۴. واژه هم‌ردیف حرف «الی»

از نظر زبان‌شناسان، هم‌ردیفی در واژگان؛ یعنی اینکه چند واژه بر یک معنا واقع شوند؛ یا دو واضح دو کلمه برای معنای واحد وضع می‌کنند، آنگاه این دو وضع مشهور می‌شوند و دو واضح پنهان. (سیوطی، ۱۳۲۵: ج ۱، ۴۰۲). بنابراین دو یا چند صورت با رابطه معنایی خیلی نزدیک به هم مرتبط می‌شوند که از این طریق می‌توان معنای واژه مورد نظر را به دست آورد. از همین‌رو، گاهی برای تبیین معنای حرف «الی» در عبارات قرآنی باید حروفی که در معنایی نزدیک به آن به کار رفته نیز مورد توجه قرار گیرند.

واژه هم‌ردیف «الی» حرف «حتی» است. برای نمونه در این آیه «حتی» به معنای انتهای غایت به کار رفته است ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجِّ﴾ «و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد.» در اینجا ضمیر جمع واو مسیریماست که بر اساس حرف «حتی» باید فرایند خوردن را فقط تا زمان تبیین ادامه دهد البته نمی‌گوید فرایند خوردن و آشامیدن باید مستمر باشد، بلکه می‌گوید، اگر خوردن و آشامیدن است باید تا (تبیین) باشد. با توجه به اینکه عمده کاربردهای «حتی» همراه فعل است و از نظر معناشناسی شناختی کاربرد فعل در کلام نشان دهنده تدریجی بودن فرایندی است و نوع شکل‌گیری آن مهم است نه انتهای آن، لذا حرف «حتی» وقتی همراه فعل به کار می‌رود، معنای انتهای غایت بودن آن با فعل ترکیب می‌شود و نقطه پایان غیر صریح را نشان می‌دهد. لذا اگرچه مفهوم انتهای غایت در هر دو حرف مشترک است، از طریق مقایسه این دو حرف مشخص می‌شود که انتهای غایتی که از حرف «الی» برداشت می‌شود، پایانی قاطع و مشخص است؛ اما انتهایی که حرف «حتی» ناظر به آن است انتهای نامشخص و حرکت عنصر متحرک در آن بلاشروط است. نکته دیگر اینکه مفهوم انتهای غایت در حرف «الی» نسبت به انتهای غایت حرف «حتی» پیش‌نمونه‌ای‌تر است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، معنای حرف «الی» صراحت و استقلال بیشتری دارد در صورتی که حتی انتهایی مبهم و مشترک با فعلی که با آن می‌آید را کدگذاری می‌کند؛ لذا مفهوم «حتی» در رده‌ای پایین‌تر از حرف الی در دایره معنایی قرار می‌گیرد.

۵. هم‌معنایی

هم‌معنایی یا مترادف، یکی از شناخته شده‌ترین مدل‌های چندمعنایی است. دو واژه هم‌معنا را می‌توان به جای یکدیگر به کار برد، گرچه هم معنایی مطلق وجود ندارد. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۰۷-۱۱۴؛ صفوی، ۱۳۷۸: ۱۰۵-۱۰۷) در این مدل معنایی حرف الی علاوه بر معنای پیش‌نمونه‌ای معانی سایر حروف را هم به همراه خواهد داشت که با مثال‌های قرآنی به تحلیل آن پرداخته خواهد شد.

۱-۵. هم معنایی با «مع»

چنانکه در این آیه به کار رفته است ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ﴾ (نساء/۲) «و اموال آنان را همراه اموال خودتان نخورید.» در اینجا با استفاده از حرف الی و مفهوم انتهای غایت، می‌گوید، سرپرستان عمل خوردن را تا اموال یتیمان انجام می‌دادند و اموال خودشان را دست نخورده باقی می‌گذاشتند. و فعل تأکلوا که باید با مع می‌آمد، با الی آمده تا مسیر خوردن را به اموال سرپرستان ختم کند و از طرفی از مفهوم «مع» که در اینجا «الی» در معنای ثانویه به آن اشاره دارد، می‌خواهد این مطلب را برساند که سرپرستان به نحوی اموال یتیمان را استفاده می‌کنند که گویی مال یتیمان مال خودشان است و گویی که آنها با یک مال روبه‌رو هستند در واقع حقی را برای یتیمان در نظر نداشتند.

۲-۵. هم معنایی با «فی»

مانند ﴿يَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (جاثیه/۲۶) «شما بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می‌کند.» در اینجا یجمع که با فی متعدی می‌شود با «الی» متعدی شده است تا پایان جمع شدن را با روز قیامت تبیین کند؛ اما به این شکل که قیامت ظرفی است که انسان‌ها به مرور وارد این ظرف می‌شوند. بدین‌گونه الی در معنای اولیه فضای ورود تدریجی مسیریماهای متعدد را به جهتی خاص بیان می‌کند و در معنای ثانویه از تجمع انسان‌ها در ظرف قیامت خبر می‌دهد؛ بنابراین جهت و حالت قرار گرفتن مسیریما در انتهای غایت مورد نظر مفهوم‌سازی الی در این آیه است.

۳-۵. تعلیل به معنای «لام»

مانند ﴿وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾ (نمل/۳۳) «ولی تصمیم نهایی با توست؛ بین چه دستور می‌دهی کاربرد.» «الی» در معنای کانونی این مفهوم را که حرکت مسیریما تا مرزنا است، تبیین می‌کند، به این صورت که دستور و فرمان را به ملکه سبا ختم می‌کند؛ تا از این طریق مالک و صادر کننده فرمان را ملکه سبا معرفی کند و با وجود معنای ثانویه حرف الی که دلالت بر تعلیل دارد، علت و ایجاد کننده دستور را هم ملکه می‌داند تا قدرت او را برتر از سپاهیانش جلوه دهد. چراکه، در ابتدای آیه به نیرومندی سپاهیان بلقیس اشاره شده است. در واقع با این اختصاص، می‌خواهد بگوید، اگرچه افراد سپاه بلقیس قدرتمندی زیادی داشتند؛ اما ملکه قدرت مطلق بوده است. بنابراین، «الی» دو بعد معنایی را با خود به همراه دارد؛ یکی مالک و موجد فرمان بودن ملکه سبا و دیگری قدرت مطلق بودن او؛ زیرا منتها الیه «امر»، بلقیس ملکه سبا بود.

۴-۵. به معنای «عند»

مانند ﴿...ثُمَّ مَجَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتَبِيِّ﴾ (حج/۳۳). «سپس جایگاه [قربانی کردن آنها و سایر فرایض] در خانه کهن [=کعبه] است.» در این مثال با کاربرد «الی»، هم، جهت حرکت قربانی را بیان می‌کند و هم مکانی را که قربانی باید در آن ذبح شود. از این رو، در معنای پیش‌نمونه حرکت را به سمت کعبه جهت‌دهی می‌کند و اما اینکه کدام محل بیت العتیق برای ذبح قربانی مورد نظر است با معنای «عند» که از طریق بسط حقیقی الی به دست آمده، مشخص شده و آن محل، کنار خانه خدا است. زیرا طبق نظر مفسران اگر قربانی مربوط به حج باشد در سرزمین «منی» باید ذبح شود و از آنجا که آیات مورد بحث از مراسم حج سخن می‌گوید باید «بیت‌العتیق» در اینجا به معنی وسیع کلمه باشد تا اطراف مکه (منی) را نیز شامل گردد، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ۱۰۰) از این رو، الی، هم جهت حرکت مسیریما را در مفهوم اولیه خود بیان می‌کند و هم مکان ذبح را با معنای ثانویه مشخص کرده است.

۵-۵. به معنای «علی»

مانند ﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ (اسرا/۴). «ما به بنی اسرائیل در کتاب اعلام کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد.» در اینجا «الی» دو فضا را ایجاد کرده است؛ یکی فضایی است که با معنای پیش‌نمونه به آن اشاره دارد و دیگری فضایی است که با معنای توسیعی خود آن را کدگذاری کرده است. فضای نخست خاتمه اعلام را با مرز بنی اسرائیل مشخص کرده تا خاتمه حکم خدا بر بنی اسرائیل را نشانه تحقق حتمی حکم قرار دهد و بگوید حکم به پایان رسیده و اعلام حتمی است؛ و در فضای دوم که معمولاً قضی با «علی» به کار می‌رود، حکم حتمی خداوند را بر بنی اسرائیل مشرف کرده تا از این احاطه، مفهوم اولیه «الی»؛ یعنی قطعیت حکم را تقویت کند.

۶. مدل معنایی نحوی

این مدل معنایی، رابطه‌ای از نوع ترکیب میان الفاظ است که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. (بی‌رویش، ۱۳۷۴: ۳۰) حرف «الی» با قرار گرفتن در زنجیره کلام معنی‌های متفاوتی را عرضه می‌کند که این معانی از نقشی که در آن جمله دارد دریافت می‌شود. در واقع نوعی چندمعنایی واژه است که در آن واژه‌ها به تنهایی معنی روشن دارند؛ اما همنشینی واژه‌ها روی محور زنجیره‌ای سبب چندمعنایی آنها شده است.

۱-۶. هم نشینی

اولین مورد از مدل معنایی نحوی، بررسی تلفیق مفهومی واژه‌های هم‌نشین با حرف الی است، که تحلیل معناشناسانه آن به کشف مؤلفه‌های معنایی قرآن منجر شده و باعث می‌گردد این حرف متناسب با هم‌نشینی در ترکیب، معنای جدیدی را برگزیند؛ مانند (...وَلَنْ يَرْجِعَ إِلَى اللَّهِ لَأَجْدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقًا ﴿٣٦﴾ (کهف/۳۶) «و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، جایگاهی بهتر از اینجا خواهم یافت.» (...وَلَنْ يَرْجِعَ إِلَى اللَّهِ لَأَجْدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقًا ﴿٣٦﴾ (فصلت/۵۰) «گاه به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، برای من نزد او پادشاه‌های نیک است.» در این آیات الی به همراه «رددت» و «رجعت» به کار رفته است، هر دو آیه موقعیت نسبتاً مشابهی را نشان می‌دهند. هر دو به حالت غرور و تکبر انسان در برابر خداوند اشاره می‌کنند؛ اما در آیه اول که با «رددت» هم‌نشین شده، و این فعل در جایی به کار می‌رود که در درون فاعل دو نیروی مخالف در کار باشد و با وجود این به سوی مقصد مورد کراهتش بالاچار رجوع داده می‌شود؛ اما در «رجعت» نیروی مخالف درونی نهفته نیست و فاعل با کراهت به سوی مقصدش سوق داده نمی‌شود. لذا هنگامی که این افعال با حرف «الی» همراه شوند، با توجه به سیاق آیه، هر کدام کیفیت مقصد را به گونه متفاوت از دیگری گزارش می‌دهد.

۲-۶. هم‌نامی

هم‌نامی یا اشتراک لفظی زمانی واقع می‌شود که یک صورت نوشتاری یا گفتاری دارای دو یا چند معنا باشد. (عچرش و کهندل جهرمی، ۱۳۹۴: ۳۲) این مورد در حرف «الی» زمانی روی می‌دهد که این حرف اسم واقع شده و نقش حرفی نداشته باشد. (ر.ک: سیوطی، ۱۳۹۲: ۷۶) نمونه: ﴿وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلِ﴾ (مریم/۲۵) «و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده.» «الی» در این آیه اسم بوده و ضمیر «ک» مضاف‌الیه آن می‌باشد. (همان) لذا با توجه به اینکه اسم‌ها به محدوده‌ای بسته از فضای شناختی اشاره دارند و فاقد زمانند، بر این اساس، اسامی واژگانی ایستا هستند و با مفهوم پویایی که حروف از موقعیت افعال گزارش می‌کنند، متفاوتند. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۳۵-۳۳۷) از این رو خداوند که در این آیه از دو ضمیر پشت سر هم استفاده کرده، مفهوم اسمی را از «الی» افاده کرده و آن را در نقش اسمی به کار می‌گیرد تا بیانگر وجود شیء در کنار و جانب مسیریما (حضرت مریم) باشد؛ بنابراین «الی» در اینجا بر رابطه مسیریما با شیء دیگر و مکانی نزدیک به آن اشاره دارد و بیانگر قرب مکانی آن دو است. حضرت مریم^(س) مسیریمای جمله است که در جانب نخل؛ یعنی مرزما واقع شده و عنصر متحرک با آن رابطه مکانی نزدیک را برقرار کرده و فعل (تکان دادن) را بر آن بار می‌کند؛ لذا نمی‌خواهد ختم موقعیت مسیریما را با مرزما نشان دهد تا بتوان «الی» را در مفهوم حرفی تفسیر کرد.

۳-۶. عضو واژگی

عضو واژگی یکی دیگر از انواع روابط مفهومی است که رابطه میان واژه‌ای را به مثابه یک عضو نسبت به واژه دیگری نشان می‌دهد. (سیدی، ۱۳۹۱: ۱۶) از این رو هر گاه یک واژه صرفاً با یک حرف خاص همراه شود، آن حرف به عنوان عضوی از آن واژه به حساب می‌آید؛ زیرا هدف از چینش واژگان به این صورت، نشان دادن یک معنای خاص است. برای مثال ترکیب «اجل مسمی» که در هفده موضع قرآن قرار گرفته، در یازده مورد با حرف الی همراه است و شش مورد دیگر بدون حرف به کار رفته است؛ بنابراین اجل مسمی هرگاه مجرور واقع شده تنها مجرور به حرف «الی» قرار گرفته است. می‌توان برای تبیین موضوع به آیه ۴/نوح اشاره کرد که می‌فرماید ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ إِلَىٰ ^{أَجَلٍ مُّسَمًّى} _{im}﴾ «اگر چنین کنید، خدا گناهانتان را می‌آمرزد و تا زمان معینی شما را عمر می‌دهد.» در این مثال (اجل مسمی) سدی است که جلوی سیر زمان را گرفته است و به مسیرپیما فقط تا رسیدن اجل مسمی فرصت داده شده است. لذا برای حتمی نشان دادن توقف زمان در یک مدت مقرر، از «الی» استفاده شده تا هم گذر زمان را نشان دهد و هم پایان آن را در یک مقطع معین؛ و می‌توان ادعا کرد که این مفهوم کلی در تمام آیاتی که «الی» در چنین ترکیبی قرار گرفته و رابطه نحوی عضو واژگی ایجاد کرده، جریان دارد.

۷. شمول معنایی حرف «الی»

گاهی اتفاق می‌افتد که یک مفهوم بتواند چندین مفهوم دیگر را شامل شود، در این وضعیت رابطه شمول معنایی مطرح خواهد بود. به تعبیر دیگر، واژه‌ای که معنای چند واژه دیگر را در بر می‌گیرد، «فراگیرنده» و واژه‌های زیر بخش را «مورد شمول» می‌نامند. (صفوی، ۱۳۷۸: ۱۳۲؛ پالمر، ۱۳۷۴: ۱۳۲). مثلاً حرف «الی» از طریق رابطه استعاری و از طریق بسط طرح‌واره‌ای معنای پیش‌نمونه‌ای، توسعه یافته و معانی دیگری را شامل می‌شود.

۱-۷. استعاره

استعاره در معناشناسی شناختی، الگوبرداری نظامند بین عناصر مفهومی یک حوزه از تجربه بشر که ملموس و عینی است بر حوزه دیگری که معمولاً انتزاعی‌تر است؛ یعنی حوزه مقصد. (لیکاف: ۱۹۹۳، ۲۴۳) به عبارت دیگر دسته خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن، جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر فرا برده و منتقل می‌شود. (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱) این انتقال مجازی است و بر پایه شباهت صورت می‌گیرد و طی آن معنای یک کلمه یا عبارت، وارد حوزه جدیدی می‌شود. (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۲) در آیات قرآن حرف «الی» به صورت استعاری مفاهیمی را کدگذاری کرده است.

۱-۱-۷. بازه زمانی

این معنا از طریق توسعه استعاری به دست می‌آید و «الی» مسیر و فاصله را کدگذاری می‌کند. در این حالت، واژه پیش و پس از «الی» اسمی است که به زمان اشاره دارد. (بامشادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶) به تعبیر دیگر، الی فاصله بین مبدأ و مقصد زمانی را تبیین کند. نمونه ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى قَسَمِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ (اسراء/۷۸). «نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب برپا دار و همچنین قرآن فجر. را؛ چرا که قرآن فجر.» «الی» با مکانی کردن زمان که امری نامحسوس است، نمودار حرکتی ایجاد می‌کند تا از این نمودار حرکتی، «بازه زمانی» انجام نماز را تبیین کند. به این ترتیب که ختم اقامه نماز را با تاریکی محض شب نشان داده است لذا وقت برپایی نماز از زمان زوال خورشید شروع شده و با فراگیر شدن شب و هنگام صبح به پایان می‌رسد.

۷-۱-۲. استثنا و جداسازی

معیار استثنا و جداسازی، انتخاب و گزینش مسیریما است، چنانکه در این آیه «الی» از میان قسمت‌های مختلف دست، تنها مرفق را مقصد نهایی مسیریما کدگذاری کرده است؛ ماننا ﴿... فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الرَّجْلِ﴾ (مائده/۶) «صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوید.» «الی» در اینجا برای بیان حد شستن است؛ یعنی از میان حدود موجود در دست تنها «مرفق» جدا شده و مرزما قرار می‌گیرد، لذا کارکرد الی در اینجا ناظر به تعیین مرزما برای مسیریما است و دیگر حرکت از آن برداشت نمی‌شود.

۷-۱-۳. ترجیح دادن

ترجیح، یک وضع ذهنی؛ مثل میل، قصد، باور بر وضع ذهنی دیگر، که یکی از دو امر متساوی از جمیع جهات، بدون مبدأ فاعلی، بر دیگری رجحان یابد. (آشتیانی، ۱۳۷۷: ۱۲۶؛ فراهانی، ۱۳۸۶: ۱۸)؛ ماننا ﴿قَالَ رَبِّ النَّخْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾ (یوسف/۳۳) «(یوسف) گفت: پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می‌خوانند.» در اینجا از طرح تصویری مسیر که در معنای پیش‌نمونه این حرف نهفته است دو انتها برای این مسیر وجود دارد، یکی زندان و دیگری خواسته زلیخا از یوسف (ع)، که الی مسیر حرکت ایشان را به زندان ختم می‌کند و از این طریق، حضرت که بین انتخاب دو مرزما مختار بود، یکی را انتخاب کرده (زندان) و آن را بر مرزمای دیگر (خواسته زلیخا) ترجیح می‌دهد، در حقیقت از این مفهوم‌سازی اولیه، به مفهوم ثانویه؛ یعنی ترجیح زندان بر میل به زلیخا منتقل شده است.

۷-۱-۴. تأکید انتها

در آیه زیر با تکرار مفهوم واژه منتهی در «الی» بار معنایی مفهوم این واژه را تأکید کرده است؛ مانند ﴿وَأَنَّ لَيْسَ لَنَا نَسْرًا إِلَّا مَا سَعَى... / وَأَنَّ إِلَى الْمُنْتَهَى﴾ (نجم/۳۹، ۴۲) «و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست... که همه امور به پروردگارت منتهی می‌گردد.» در این آیه برای نشان دادن سرانجام و نقطه پایان سیر عالم هستی کلمه «منتهی» به کارفته که مصدر میمی و به معنای انتهاست؛ در نتیجه می‌فهماند که مطلق انتها به سوی پروردگار توست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۹، ۴۷)؛ اما برای اینکه مفهوم را در شناخت افراد جاری سازد، الی را به کار می‌گیرد تا بار دیگر بر انتهایت تأکید نماید و با مکانی کردن آن چنین تصویرسازی کند که طی طریق انسان فقط تا رسیدن به پروردگار است.

۷-۱-۵. اعتماد

مانند آیه ﴿وَلَا تَرْكُنْ إِلَىٰ آلِيهِمْ ظَلَمُوا...﴾ (هود/۱۱) «و بر ظالمان تکیه نکنید.» در این آیه تکیه یک جسم به جسم فیزیکی دیگر مبنای ساختن مفهوم مقصد؛ یعنی تکیه بر ظالمان قرار گرفته تا از این مفهوم به مفهوم دیگری که همان اعتماد و اطمینان است، منتقل شود. از این رو، گرایش برخی از مسلمان به ظالمان به منزله اعتماد به آنهاست؛ چراکه الی انتهای غایت و مقصد آنان را می‌فهماند. بنابراین آنها در فکر اعتماد به ظالمان بودند که خداوند با موقعیت‌سازی «لاترکونوا» جلوی خواسته آنان مبنی بر اعتماد به ظالمان را می‌گیرد.

۷-۱-۶. توالی و اتصال

در این مفهوم، «الی» غالباً بین دو اسم مکرر آورده شده و با رساندن مسیریما به مرزنا، توالی و اتصال بین آن اسما را برقرار می‌کند. نمونه ﴿...يَزِدْكُمْ نَصْرًا إِلَىٰ آلِيهِمْ فَرِحْتُمْ﴾ (هود/۵۲) «و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید و گنجهکارانه، روی بر نتابید.» در این مثال با زنجیره‌ای از نیروهای متصل به هم سروکار داریم، که با حرف «الی» این اتصال برقرار شده است. کاربرد «الی» هم حلقه‌های اتصال بین دو نوع نیرو؛ یکی نیروهای جسمی و دیگری نیروی ایمان را نشان می‌دهد، و هم آخرین حد نیرو را در ذهن تداعی می‌کند، همان‌طور که ملاحظه شد از طرح‌واره پیوستگی حلقه‌های زنجیر استفاده شده تا با این روش مفاهیم انتزاعی قوت و قدرت را به هم پیوند دهد و از این توالی و توصل نیروها، افزایش قدرت را نتیجه بگیرد.

۷-۱-۷. میل

گاهی حرف الی با ارتباط‌سازی بین مسیریما و مرزما با بسط استعاری، مفهوم «میل» را کدگذاری می‌کند به این طریق که از نحوه حرکتی که صورت می‌گیرد، مفهوم میل در ذهن تداعی می‌شود؛ مانند ﴿فاجعل

انفد: $\frac{tr}{tr}$ من الناس تهوی الی $\frac{-*}{\square}$ ﴾ (ابراهیم/۳۷) «تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز.» در این جمله دعایی از واژه «تهوی» که به معنای سقوط است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۷۶) استفاده شده و سقوط اجسام برای مفهوم انتزاعی سقوط دل‌ها به کار رفته است تا از این طریق مفهوم مبدأ؛ یعنی درخواست حضرت ابراهیم از خداوند مبنی بر «میل شدید» مردم به سوی فرزندانش را با انتقال استعاری به تصویر بکشد.

البته معانی استعاری حرف «الی» بیش از این موارد است؛ مثلاً مفاهیمی چون «آشکار شدن» «بیان حالت»، «مشارکت»، «أخذ»، «آماده‌شدن»، را نیز به این روش کدگذاری می‌کند. از آنجا که هدف معرفی مدل‌های معنایی این حرف در قرآن است شرح و تحلیل همه موارد مجالی دیگر می‌طلبند.

۶-۷. طرح‌واره تصویری

طرح‌واره‌های تصویری؛ عبارتند از الگوهای تکرار شونده و پویا از تعامل‌های ادراکی که به تجارب ما انسجام و ساختار می‌بخشند. (محمدی آسیابادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۵) گاهی معانی خاص از تأمل در این طرح‌واره‌های تصویری خاص پیدا می‌شوند. در واقع چشم‌اندازی که از یک صحنه برمی‌گزینیم در تعبیر ما تأثیر می‌گذارد و همین موجب می‌گردد که طرح‌واره خاص متناسب با آن را به کار گیریم. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴) بنابراین از طرح تصویری معنای پیش‌نمونه در حرف الی، تعدادی طرح‌واره دیگر بر اساس نحوه حرکت مسیریما و نوع مسیری که انتخاب می‌کند، ساخته می‌شود که ساخت طرح‌واره‌های جدید در نهایت به انشعاب معنایی این حرف می‌انجامد که در ادامه بررسی می‌گردد.

۱-۲-۷. فضا(جهتی)

بسیاری از طرح‌واره‌ها از تجارب انسان، به ساختار جسمانی‌اش مرتبط می‌شوند. بدن انسان با قسمت‌های مختلفش یک کل را تشکیل می‌دهد که گاهی پدیده‌ای اطراف را با توجه به نحوه قرارگرفتن در فضاها اطراف خودش می‌سنجد و نمونه ثابتی از طرح‌واره‌های عقب - جلو، بالا - پایین، دور - نزدیک و مرکز - پیرامون را به وجود می‌آورد. (کرد زعفرانلو کامبوزیا و حاجیان: ۱۳۸۹: ۱۲۲) نمونه‌هایی از این جهات با شواهد قرآنی تبیین خواهد شد.

طرح‌واره عقب و جلو؛ انسان، با معیار قرار دادن جسم خود یا اشیاء پیرامون تعیین می‌کند که یک پدیده در وضعیتی عقب‌تر یا جلوتر قرار گرفته است. (روشن و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۱)؛ مانند ﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ $\frac{برزخ}{tr}$ إِلَى $\frac{بوم}{tm}$ يُبْعَثُونَ﴾ (مومنون/۱۰۰) «و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.» در این آیه

خداوند برای تعیین زمان برزخ و قیامت از طرح‌واره جلو- عقب استفاده می‌کند به این صورت که انسان را معیار قرار می‌دهد و برزخ را پشت سر او و قیامت را پیش‌روی او ترسیم می‌کند و با این روش به خوبی نشان می‌دهد که ابتدا انسان با برزخ روبرو شده، چراکه طرح‌واره آن پشت سر را نشان می‌دهد؛ یعنی با آن روبرو شده و آن را پشت سر می‌گذارد و بعد از گذشت از این مرحله، زمان قیامت شروع می‌شود.

نمونه‌ی دیگر طرح‌واره‌ی مرکز-پیرامون است؛ نمونه ﴿...وَ تَنْزِيلًا مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ مَوَاطِنَ هَاكِنٍ فَأَمْطَرَ فِيهَا مَاءً طَبَقًا ۚ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ سُبُلًا ۚ كَذَّبْتُمْ بِهَا فَكَانُوا مِنَ الْغَافِقِينَ ۚ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۰۰) «کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد. و هر کس برای مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست.» در این آیه، خداوند و پیامبر (ص) مرکز و محور محسوب می‌شود که مهاجران در پیرامون به سمت این محور در حرکتند و از آنجایی که در اعتقادات ما خدا و رسول گرامی‌اش بالاترین ارزش را دارد هر شخص مهاجری که به سمت خدا حرکت کند به میزان فاصله با کانون ارزش می‌یابد و هنگامی که با نقطه مرکزی کمترین فاصله را دارد، صفات مرکز را در خود متجلی می‌یابد.

۲-۷-۲. مهارشدگی

انسان در تجارب روزمره خود با انواع ظرف‌ها سروکار دارد. او این تجربه جسمانی خود را به موضوعات انتزاعی نیز نسبت می‌دهد که از آن جمله می‌توان به دل و ذهن اشاره کرد. بررسی آیات نشان داد که بهتر است تمام مواردی که به ظرف یا مظروف اشاره دارند، زیر مجموعه این عنوان طبقه‌بندی شوند. (ر.ک: روشن و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۲)؛ مانند حجم، داخل- خارج، پر-خالی، سطح؛ که برای ایضاح سخن به چند مثال اشاره می‌شود.

طرح‌واره حجم: حرف «الی» زمینه‌ای را به عنوان انتها معرفی می‌کند که خاصیت مظروفی دارد و احجامی می‌توانند، درون آن قرار گیرند؛ نمونه ﴿... فَأَوْسَىٰ آلَافًا مِّنْهُنَّ لِيَدْرَأَنَّهُمْ كَيْفَ يَأْمُرُ بِالْعَنَاءِ ۚ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۶) «به غار پناه برید.» در این آیه، غار ظرفی برای اصحاب کهف قرار گرفته تا از این محصور شدگی که با طرح‌واره حجم ترسیم شده محافظت و در امان بودن را هم مفهوم‌سازی کند. نکته دیگر اینکه، با محصور شدن غار بر آنها اشاره‌ای هم به درنگ طولانی مدت آنها در غار کند زیرا، غار انتهای مسیر آنها است، که عنصر متحرک به آن نقطه پایان رسیده، گویی دیگر راهی برای آنها نمانده تا در آن راه حرکتی داشته باشند.

۳-۲-۷. حرکت

انسان از طریق تجربه حرکت کردن خود و سایر پدیده‌های متحرک برای پدیده‌های گوناگون فضایی می‌آفریند که در آن می‌توان حرکت کرد. به این ترتیب در زبان، شاهد تعبیراتی هستیم که انگار نمودار

مسیر حرکت‌اند، بدین معنا که چیزی از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند؛ یعنی از مبدایی شروع می‌کند و به مقصدی می‌رسد. (صفوی، ۱۳۸۲: ۶۹؛ قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۶۰) با این توضیح جهت و موقعیت حرکت مرزنا به سوی غایت معین شده، باعث ایجاد طرح‌واره‌های جدید در حرف الی می‌شود. مثلاً حرکت به سمت جلو، پشت، بالا، پایین و حرکت دورانی نمونه‌هایی از کشف این نوع طرح‌واره در موقعیت حرکت‌ساز حرف «الی» محسوب می‌شود؛ مانند شاهد مثال‌های قرآنی زیر که به این گونه طرح‌ریزی شده‌اند:

حرکت در مسیر افقی؛ نمونه ﴿سَبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِـِٔتَمَّۙ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَأْتَمَةِ﴾ (اسرا/۱) «پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد.» در این آیه حرف الی با همراهی من، بیانگر یک فاصله مکانی بین دو محیط افقی است که مسیریما میان آن دو سیر داده شده و موقعیت فعل نشان می‌دهد که حرکت مسیریما حرکتی معمولی نبوده است زیرا به خدا نسبت داده شده است، بنابراین در این آیه چند نکته با حرف الی روشن می‌شود: اولاً مسیریما از مبدأ به مقصد رسیده است لذا این حرف حرکت و انتها را نشان می‌دهد؛ ثانیاً نوع حرکت را هم افقی جلوه داده است که با همنشینی اسری حالت دیگر حرکت، جابه‌جایی افقی در شب است؛ ثالثاً مسجد الاقصی نقطه پایان سیر پیامبر(ص) تصویرسازی شده است که گویی مسیریما از مسجد الاقصی، دیگر حرکت فیزیکی نداشته است؛ زیرا اگر حرکت پیامبر(ص) جسمی بود، مسجد الاقصی به عنوان انتهای راه ایشان تصویرسازی نمی‌شد.

۴-۲-۷. توازن

تجربه انسان از هم وزنی و تعادل پدیده‌های فیزیکی و انتزاعی منجر به ساخت طرح‌واره توازن می‌شود. در زیر به ذکر نمونه‌هایی از نمود این طرح‌واره در قرآن که با استعمال حرف «الی» سازماندهی شده پرداخته می‌شود؛ به این شکل که دو عنصر با هم سنجیده می‌شوند و کاربرد الی با سوق دادن (tr) به

سمت (Im) یک طرف این میزان را سنگین‌تر جلوه می‌دهد؛ مانند کاکرد الی در این آیه ﴿وَمَا كَانَ لِيهِ

يَصِلُ إِلَى الْمَأْتَمَةِ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (انعام/۱۳۶) «آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی‌رسید؛ ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می‌رسید، چه بد حکم می‌کنند.» در این آیه از وزن اجسام که امری تجربه شده است، طرحی ساخته شده تا نوعی سنجش را بین سهم خدا و بتها نشان دهد؛ اما کاربرد الی محتوای این میزان را به سمت بت‌ها سوق می‌دهد تا با این روش اعتقاد مشرکان را در مورد خداوند و بت‌ها به تصویر بکشد، که آنها به خیال خودشان سهمی را برای خدا و سهمی را برای بت‌ها قرار داده بودند؛ اما کاربرد «الی» حرکت کفه توازن را به سوی بت‌ها نشان می‌دهد، زیرا با موقعیت مسیریما سهم خداوند به سوی

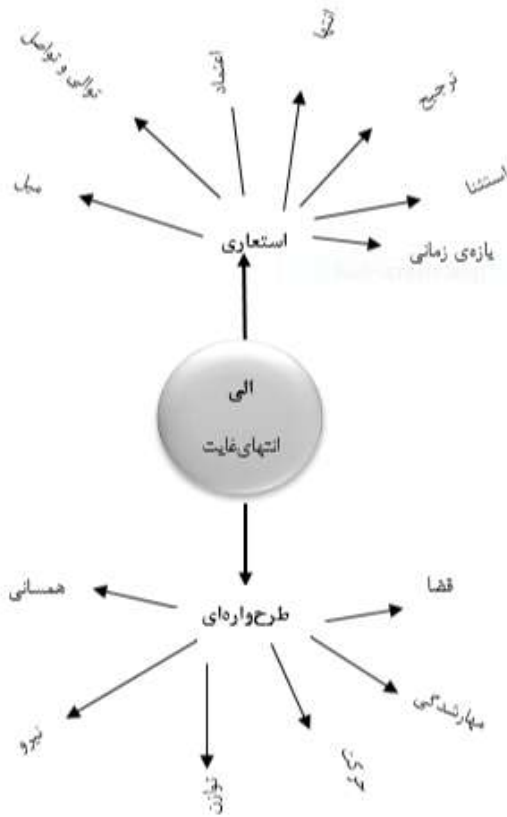
بت‌ها رهسپار شده است در حقیقت آنها حتی خداوند را هم طراز با بت‌ها هم قرار نمی‌دادند و خداوند در اعتقاد مشرکان در مرتبه‌ای پایین‌تر از بت‌ها قرار داشته است.

۵-۲-۷. نیرو

نیرو؛ به ساخت‌شناختی برآمده از تعامل موجودیت‌ها با هم گفته می‌شود که از طریق کنش‌هایی اعم از مقاومت، غلبه و اجبار، سد کردن نیرو و از بین رفتن آن، توانایی و جذب ایجاد شده، این طرح‌واره‌ها اصول بنیادین سازماندهی معنای برخی از مفاهیم زبانی را تصویرسازی می‌کنند. (عموزاده و بهرامی، ۱۳۹۱: ۱۸۴) در ادامه به نمونه‌هایی از این طرح، تصویری که با حرف الی در قرآن ترسیم شده‌اند، پرداخته می‌شود.

اجبار؛ یعنی انجام دادن کاری به اکراه و خلاف خوسته و میل. (الصاحب، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۹۷) خداوند نیز از این تجربه انسان‌ها در آیاتی با کارکرد مجسم‌سازی حرف الی، استفاده کرده است؛ مان ﴿يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ ..﴾ (انفال/۶) «آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند؛ گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند و آن را با چشم خود می‌نگرند.» به کار بردن فعل «سقنا» در موقعیت معینی نشان می‌دهد که گوینده نیروی اجبار را در ساختار کلام اراده کرده است. در واقع، نیروی اجبار در فعل سقنا نهفته است؛ اما با همنشینی حرف «الی» این نیرو آزاد شده و شیء متحرک را به سمت زمینه مورد انزجارش حرکت می‌دهد. به بیان دیگر در اینجا مسیریما با نیروی مقاومت که از حس انزجار او نسبت به مرگ نشأت گرفته است در برابر نیروی اجبار ایستادگی و از ورود به مرزنا (مرگ) خود داری می‌کند، البته «الی» با نشان دادن انتهای مسیر نتیجه این نیروی اجبار را موفقیت‌آمیز می‌داند که سرانجام مسیریما را به حالت مرگ رسانیده است.

طرح‌واره مانع: در نمونه قرآنی زیر «الی» خروج عنصر متحرک را از محیط باز به محیط بازدارنده ترسیم می‌کند ﴿لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ (لقمان/۲۹) «آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند، و خورشید و ماه را مسخر ساخته و هر کدام تا سرآمد؛ یعنی به حرکت خود ادامه می‌دهند؟! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» در این آیه با قلمرویی از مسیریماها مواجه هستیم که حرف «الی» حرکت آنها را به سوی غایتی خاص (اجل مسمی) مسدود می‌کند؛ در واقع این سیر حرکت تا ابد ادامه نمی‌یابد، و پایان و سرانجامی دارد. با این رویکرد نقش حرف «الی» نشان دادن مسیری مشخص و ایجاد یک مانع جلوی مسیریما است که دیگر از آن زمینه عبوری ندارد و حرکتش را تا پشت این سد تصویرسازی می‌کند.



نتیجه‌گیری

در این نوشتار برای دستیابی به میدان‌های معنایی آیاتی که حرف «الی» در آنها به کار رفته، چند معنایی این حرف بررسی شد و به این منظور به معرفی مدل‌هایی پراخته شد تا در قالب این مدل‌های معنایی، مفاهیم متعددی که از انعطاف معنایی این حرف قابل برداشت است، ارزیابی شود. لذا نتایج حاصل، حاکی از آن است که؛ برای استخراج معانی متعدد حرف «الی» ابتدا باید معنای پیش‌نمونه‌ای این حرف تبیین شود که امری ضروری در پژوهش‌های معناشناسی شناختی تلقی می‌شود؛ بنابراین به این موضوع پرداخته شد و معنای پیش‌نمونه آن انتهای غایت تشخیص داده شد. سپس بررسی ابعاد معنایی حرف الی مطرح نظر قرار گرفت که تعدد معنایی این حرف، در شش مدل معنایی تبیین شد؛ از جمله این مدل‌ها؛ بررسی واژه‌های هم‌ردیف، مفاهیم متقابل، مدل هم‌معنایی، مدل معنایی نحوی و مدلی معنایی که از رابطه شمولی به دست می‌آید، می‌باشد؛ به پیروی از این مدل‌هایی معنایی معین گردید، چندمعنایی این حروف در قالب ملاک‌هایی قابل توجیه است؛ زیرا این ابزار می‌تواند معانی نامحدود این حرف را در چارچوب شبکه‌هایی

معنایی قابل ترسیم کند که همه این شبکه‌ها در معنای مرکزی با هم مرتبط می‌شوند و مآلاً مشخص گردید که کشف میدان‌های معنایی حرف الی موجب توجه به ظرافت‌های معنایی آیاتی می‌شود که این حرف در آنها کاربرد یافته، به گونه‌ای که اگر در تعبیر مشابه، حروف جر متفاوتی به کار رفته باشد، تفسیری متفاوت خواهد داشت، هرچند باید گفت، در تفسیری که از این گونه آیات ارائه شده، معمولاً ابعاد معنای مختلف این حرف و امثال آن مورد غفلت قرار گرفته‌است؛ پس توجه به تفسیر شناختی حرف الی در این پژوهش موجب دریافت‌ها جدیدی از آیات قرآن شده که در متن مقاله ارائه گردیده است.

منابع

- آشتیانی، مهدی. (۱۳۷۷). *اساس التوحید*؛ تهران: جلال‌الدین آشتیانی.
- بامشادی، پارسا و دیگران. (۱۳۹۵). «بررسی معنایی سه حرف اضافه‌ی *wael.ta* و *aera* در کردی گورانی از دیدگاه شناختی»؛ *فصلنامه جستارهای زبانی*، دوره ۷، ش ۴، صص ۱-۲۵.
- بی‌پرویش، مانفرد. (۱۳۷۴). *زبان‌شناسی جدید*؛ ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: آگاه.
- پالمر، فرانک. (۱۳۷۴). *نگاهی تازه به معناشناسی*؛ ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر نو.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۹ الف). *در آمدی بر زبان‌شناسی شناختی، نظریه‌ها و مفاهیم*؛ تهران: سمت.
- _____ (ب ۱۳۸۹). «بررسی معانی حروف اضافه‌ی مکانی فرهنگ سخن بر اساس معنی‌شناسی شناختی»؛ *مجله ادب پژوهی*، دوره ۴، ش ۱۴، صص ۴۹-۶۶.
- روشن، بلقیس و دیگران. (۱۳۹۲). «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب المثل‌های شرق گیلان»؛ *مجله زبان شناخت*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۴، ش ۲، صص ۷۵-۹۴.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۹۲). *الاتقان فی علوم القرآن*؛ ترجمه محمود طیب حسینی، چاپ پنجم، قم: دانشکده اصول دین.
- سیدی، حسین. (۱۳۹۱). «تحلیل رابطه با هم آبی واژگان در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره بقره)»؛ *مطالعات قرآنی و روایی*، دوره ۱، ش ۲، صص ۹-۲۹.
- الصحاب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*؛ به کوشش محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۸). *درآمدی بر معنی‌شناسی*؛ تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۸۲). «بجئی درباره‌ی طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی»؛ *مجله نامه فرهنگستان*، دوره ۶، ش ۱، صص ۶۵-۸۵.

- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- عچرش، خیریه و مرضیه کهندل جهرمی. (۱۳۹۴). «رسم شبکه معنایی واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن»؛ فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۶، ش ۲۴، صص ۲۹-۵۲.

- عموزاده، محمد و فاطمه بهرامی. (۱۳۹۱). «ساخت افعال سبک بر اساس زبان‌شناسی شناختی»؛ فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۳، ش ۴، صص ۱۸۱-۲۰۵.

- عمر، احمد مختار. (۱۳۸۶). *معناشناسی*؛ ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۸۸). «شبکه‌های شعاعی در معناشناسی قرآن»؛ *مجله ذهن*، دوره ۱۰، ش ۳۸، صص ۷-۳۹.

- _____ قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*؛ چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حدیجه حاجیان. (۱۳۸۹). «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»؛ فصلنامه نقد ادبی، دوره ۳، ش ۹، صص ۱۱۵-۱۳۹.

- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد. (۱۳۸۵). «بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی: مطالعه موردی حرف اضافه در/توی»؛ *زبان و زبانشناسی*، دوره ۲، ش ۳، صص ۳۳-۴۶.

- محمدی‌آسیابادی، علی و دیگران. (۱۳۹۱). «طرح‌واره جمعی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی»؛ پژوهش‌های ادب عرفانی، دوره ۶، ش ۲، صص ۱۴۱-۱۶۲.

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*؛ چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

منابع لاتین

- Brugman, C. (1981). *Story of Over*; Bloomington: Indiana Linguistics Club.
- Lakoff, G & Johnson, M. (1993). *Metaphors we live by*; Chicago: Chicago University Press.
- Tyler, Andrea & Vyvyan, Evans. (2003). *Reconsidering Prepositional Polysemy Network: The Case of Over*. In: B. Nerlich, Z. Todd; V. Herman & D. D. Clark (Eds.), *Polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language*, (pp. 95-159). Berlin: Mouton de Gruyter.

التحقيق في نماذج متعددة مستويات لـ "إلى" في القرآن

دراسة دلالية معرفية*

مريم توكل نيا، ماجستير العلوم القرآنية، بكلية العلوم القرآنية في زاهدان

ولي اله حسومي، عضو الهيئة التدريسية في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة سيستان وبلوشستان

الملخص

تعدّ حرف "إلى" أكثر حروف القرآن استخدامًا، إذ تشقّر وفقاً لتطبيقاتها في الآيات القرآنية، معاني متعددة ومختلفة يرتبط بعضها ببعض في نقطة مفترضة أي غاية الانتهاء. درسنا في هذه المقالة عبر منهج وصفي تحليلي، المجالات الدلالية لحرف "إلى" اعتماداً على نموذج تيلز وإيفانز، وبعد شرح المعنى المفترض، قمنا بتحليل جوانبها الدلالية في القرآن. وفي هذا الصدد، تم تقديم العديد من النماذج الدلالية منها: المعاني المتساوية، والمعاني المتقابلة والمفاهيم المتشابهة، والنموذج الدلالي النحوي والشمول الدلالي؛ بحيث تحقّق في إطار هذه النماذج الدلالية، معظم الشبكات الدلالية لهذه الحرف وبناءً على الحقائق المعرفية للمعنى المكاني لحرف "إلى"، نحصل على المزيد من التنوع الدلالي لاستخدام هذه الحرف في الآيات القرآنية.

كلمات مفتاحية: القرآن، الدلالات المعرفية، اللفظية، النماذج الدلالية.